

<b>یادداشت</b>

## خلف وعده شیخ تمیم به ترامپ

شاید این عبارت که، " دلایل اصلی اختلاف در جهان سیاست اکثرا منافع اقتصادی است." بسیار متداول باشد.به عبارت دیگر می توان گفت روابط سیاسی بین کشورها بر پایه‌ی مراودات اقتصادی یا همان گردش پولی بنا شده‌است. در این راستا می توان گفت دلیل اختلاف قطر و عربستان نیز شاید جز این نباشد. اختلاف بین این دو کشور نیز پس از سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه و انعقاد قراردادی حدوداً بالغ بر ۵۰۰ میلیارد که باعث برآشفتن عربستان شد به وجود آمد. اما واقعیت این است که این رقم، رقم واقعی ای نمی تواند باشد، چرا که ترامپ پیش از سفرش به عربستان از سه کشور عربی حوزه ی خلیج فارس درخواست کرده بود، رقمی بالغ بر یک و نیم میلیون دلار ( ۱۵۰۰ میلیارد دلار آمریکا ) قرارداد امضا شود. و پرداخت آن پیش از آنکه ترامپ ریاض را ترک کند انجام شده باشد. شاید بتوان گفت ترامپ رییس جمهوری پرگمانتیت است و به همین دلیل درصدد بازگشت تمامی منافع برای ملت آمریکاست. یکی از این منافع به طور قطع منافع مالی است و خاورمیانه به خصوص کشوری مانند عربستان می تواند منبع بسیار مناسبی برای تامین این منابع باشد. موبد این موضوع یکی از توییت های ترامپ می تواند باشد که در آن به این موضوع صراحتا اشاره کرده است. او اینگونه در توییت خود نوشته است. "برایتان صدها میلیارد دلار از خاورمیانه می آورم، کار کار کار." یا این حال می توان دلیل دیگری برای توجیه بسته شدن پیلپی این گونه قراردادهای مالی عنوان کرد. ترامپ از ابتدای شروع کارش در دولت آمریکا محبوظیت چندانی نداشت، متکن است هدف او صرفا از وارد کردن این سرمایه های مالی به نوعی کسب یک رضایت و محبوبیت نسبی همگانی و پیشی گرفتن از روسای جمهور قبل از خود در این امر – عقد قراردادی مالی- باشد. در خلال این قرارداد سه کشور عربی قطر، امارات و عربستان خود را ملزم کرده بودند که تمام این مبلغ را پرداخت کنند. شاید این سوال پیش بیاید که چرا فقط این سه کشور؟ پاسخ این سوال عدم وجود پایگاه های بزرگ و نیروهای چندصد هزار نفری مارینز آمریکا در سایر کشورهاست. در ابتدای امر، اتفاقی از سوی هر سه کشور حاصل شده بود که هرکدام از آن ها بخشی از این مبلغ کل، به عنوان شاید جان فدای خود را خود بپردازند. در واقع این کلمه – جان فدا– به معنی بود که آن ها میلیتی به جهت حفظ کرسی قدرتشان در برابر حمایت آمریکا بپردازند. اما این میان اتفاقی افتاد و آن سر بزاق زدن قطر از پرداخت سهم خود بود. این مسئله، باعث عصبانیت دو کشور دیگر یعنی عربستان سعودی و امارات شد. همین امر دلیلی بود این دو کشور به فکر انتقام از امیر قطر از طریق جعل حرف از زبان وی و یا یک کردن رسانه های حکومتی قطر بیفتند. حال حمله ی وحشتناک رسانه ای علیه قطر شکل گرفته و همچنان نیز ادامه داد. آتش ست که خاموش نمی شود، طبیعی ست که این سه کشور نتوانند دلایل اصلی بحران به وجود آمده را بازگو کنند، چراکه شاید با بحران و تگنای شدیدتری مواجه شوند و به تبع این ضررهای مالی درازمدت را متحمل شود. مسئله ای که قابل توجه است، رقم مبلغ موجود در این قراردادست که عملا میلیتی خیالی و بیش از بودجه ی هر سه کشورست. اتفاقی که ممکن است در خلال این اظهار نظرها در مورد تنش های اخیر، روی دهد، بحران اقتصادی شدیدی این کشورها به شکل سقوط بلی سابقه ی سهام بازارهای بورس شان است که منجر به از دست رفتن سرمایه های سرمایه گذاران و مهاجرت آن ها از کشورهایشان در جستجوی بازاری جدید و مطمئن برای سرمایه گذاری است. در نهایت چنین اتفاقاتی می تواند امنیت ملی هر سه کشور را به خطر بیناندازد و آنها را با سختی های بسیاری مواجه کند، به خصوص آن که از ارائه ی دلایل قانع کننده به جهت پرداخت این میلیغ هنگفت ناتوان هستند. موبد خشم آمریکا از قطر پس از ترک ریاض، توسط ترامپ، حمله ی سیاستمداران آمریکایی به این کشور بدون هشدار قبلی ست، این هشدارها به گونه ای بود که برخی از این افراد، تهدید کرده اند که پایگاه نظامی آمریکایی العدید را از دوحه به کشور دیگری در خلیج فارس یا به اردن منتقل می کنند. با این حال، این مسئله قابل درک است که کسری بودجه ی قطر می تواند ناشی از صرف هزینه های سرسام آور به سود گروه های تئوریستی در لیبی، سوریه، مصر و حتی عراق باشد، واضح است که این کشور توانایی پرداخت چنین میلیتی به آمریکا را ندارد. علاوه بر این مورد، قطر هزینه های بسیار زیاد دیگری را در طول ساخت استادیوم های ورزشی به جهت میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ متحمل شده است. هرچند قطر حفظ مبتنی بر نپرداختن این هزینه ها، بیان نکرده است که شاید همین موضوع باعث عصبانیت همتهای عربش شده باشد که به نوعی توسط این کشور فریب داده شده اند. به همین جهت حملات شدیدی را علیه امیر قطر آغاز کرده اند و در تلاش هستند تا طی اقداماتی این خلف وعده را به نوعی تلافی کنند. در واقع، دلیلی که در بالا گفته شد، دلیل اصلی این اختلاف سه جانبه ست، و موضوعی که واضح است این اختلاف، ارتباطی به کشوری مانند ایران ندارد بلکه مشکل اصلی نقض وعده ای ست که امیر قطر انجام داده است. در حال حاضر وزیر امور خارجه قطر در حال رازینی با همتای آمریکایی اش به جهت برون رفت از این بحران و یافتن راه حلی – پرداخت سهم خود به صورت قسطا – است.

### پاورفی

## ایران و شانگهای

گسترش سازمان، یکی از موضوعاتی بود که در مرکز توجه اعضای سازمان شانگهای قرار داشت. کشورهای جدید–هند و پاکستان– به عضویت سازمان همکاری شانگهای درمی آیند. تا قبل از آن، این دو کشور اعضای ناظر در سازمان همکاری شانگهای بودند.

مسکو از این ابتکار حمایت می کند و اعضای سازمان را به پذیرش ایران به عنوان یک کشور نیرومند و مطمئن به صفوف خود فرامی خواند. بخیراحمد جکیموف، نماینده ویژه رئیس جمهور روسیه در امور سازمان همکاری شانگهای در زمان برگزاری همایش اقتصادی سن پترزبورگ از این موضوع صحبت نمود. وی گفت:«روسیه معتقد است که ایران پس از هند و پاکستان، کاندید دیگر عضویت در سازمان همکاری شانگهای است. قدرت بالقوه سازمان شانگهای افزایش می یابد و قابل اطمینان می شود.کارایی گسترش سازمان همکاری شانگهای باعث افزایش قدرت همکاری خواهد شد.»الکساندر میخائیلویچ شارفوف، رئیس شرکت «روس ایران اکتسیو» و «خیم ترانس»، معاون مدیر بخش ایران در باشگاه کاری سازمان همکاری شانگهای؛ گفت:«ایران در سال ۲۰۱۱ میلادی درخواست عضویت در سازمان همکاری شانگهای را ارسال کرد. در آن زمان، ایران تلاش زیادی برای اینکه بتواند عضو کامل سازمان بشود بخرج داد. اما به دلیل تحریم های سازمان ملل متحد و شرایطی که از طرف کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای مطرح شده بودند، مسائلی در عضویت ایران بروز کرد. به غیر از روسیه و چین، کشورهای دیگری عضو سازمان همکاری شانگهای هستند که تصمیم گیری جمعی در این خصوص از ضروری می کرد. در سال ۲۰۱۲ میلادی نمایندگان باشگاه کاری سازمان همکاری شانگهای در تهران گفتنایش یافت که با موفقیت به فعالیت خود ادامه می دهد. اما ایران طی سسال های گذشته نسبت به عضویت در سازمان شانگهای سرد شد. علاوه، رئیس جمهور روحانی امید ایران بود که می خواست جزئی از فرایند غربی جهانی شدن بشود. اما همه چیز به جای خود برمی گردد. هم اکنون ایران متوجه می شود که غرب–یک سیستم بسته است که به هیچ دلیل عضوگیری نمی کند، نه با توجه به خدمات، نه به سرمایه و یا هر دلیل دیگری. از اینرو، ایران دوباره خواهان عضویت در سازمان همکاری شانگهای و دیگر سازمان های قاره اروپاست. در اجلاس کنونی فرایند عضویت کامل هند و پاکستان جریان دارد. درخواست ایران برای عضویت با کمک روسیه و چین به سطح جدیدی رسانده می شود تا ایران بتواند عضو تمام و کمال سازمان همکاری شانگهای بشود. در اینصورت، امکانات وسیعی برای لجستیک حمل و نقل»راه کبیر ابریشم» و دیگر مسیرهای حمل و نقل مانند«شمال–جنوب»از هند به روسیه و اروپا فراهم خواهد شد. مهمترین فایده عضویت ایران در سازمان شانگهای–تامین امنیت– خواهد بود. خطرانی وجود دارند که بدون استئتنا تمام کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای را تهدید می کند– تروریسم، اگر بتوانیم جویمه یک کنیم، مانع محکمی در مقابل تروریسم خواهیم ساخت که از آن کشورهای خاورمیانه « شیوع پیدا می کند» که در آنجا جنگ داخلی جریان دارد».

سالهای زیادی است که بحث عضویت ایران با سازمان همکاری شانگهای مطرح است. درخواست ایران برای عضویت در این سازمان طی این سالها به دلایل مختلف به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. اما سال قبل گفته شد که در صورتی که فرایند عضویت کامل پاکستان و هند در این سازمان به سرانجام برسد، درخواست برای عضویت کشورهای دیگر مانند ایران بررسی خواهد شد. به نظر می رسد که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می تواند برای کشورهای عضو این سازمان حافظ امنیت باشد چرا که عضویت ایران در سازمان های منطقه ای با توجه به تجربیات که در مسایلی مبارزه با تروریسم دارد می تواند امنیت کشورهای عضو را تقویت بکند. برای ایران هم عضویت در این سازمان اهمیت دارد. ایران در چارچوب این سازمان می تواند همکاری همه جانبه را با ابرقدرتهایی مانند روسیه و چین به عنوان عضو کامل سازمان شانگهای گسترش دهد. فکر می کنم که اگر چنین اتفاقی بیفتد و با توجه به آمادگی راسخ ایران از یک سو و تلاشهای فراوان روسیه برای آغاز این همکاری از نسوی دیگر، فرایند عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای هرچه سریعتر شکل خواهد گرفت.

«فرانک بیکر» سفیر انگلیس در عراق بیانه‌ای به مناسبت سالروز بورش داعش به عراق و اشغال موصل منتشر کرده و در آن مهارت و شجاعت نیروهای عراقی را ستود.

به نوشته پایگاه خبری شبکه روداد، او در این بیانه آورده است: روز گذشته مصاف بود با سالروز بورش ظالمانه و خشونت آمیز داعش به موصل و امروزه آن‌چه که از آن به عنوان «خلافت» یاد می‌شود در حال نابودی است و نیروهای امنیتی بیشتر شهر را پس گرفته و در حال تثبیت اوضاع هستند. این بیانه می‌افزاید:نیروهای عراقی از خود مهارت و شجاعت و اراده برای بیرون راندن داعش از شهر نشان داده‌اند و همزمان برای حفظ جان غیر نظامیان تلاش می‌کنند، ما به حرفه‌ای بودن و شجاعت و فداکاریشان اعتراف می‌کنیم و پیروزی‌هایشان باعث است تا مردم برای نیروهای مسلح خود افتخار کنند.

سفیر انگلیس در ادامه افزود: باید در برابر تهدیدات پیش رو واقع‌بین باشیم اگرچه عقب‌نشینی و چند دستگی داعش ادامه دارد اما همچنان برای عراق و جهان تهدید هستند و حملات تشیع در بغداد، لندن و منجستر یادآور این است که داعش چگونه می‌تهد جوامع ما را مورد هدف قرار می‌دهد.

در حالی که بحران روابط دیپلماتیک در حاشیه جنوبی خلیج فارس میان قطر و برخی دیگر از کشورهای عربی جریان دارد، در آن سوی آب‌ها در اروپا، آلمان خواستار حل بحران دیپلماتیک قطر شده است.

به گزارش الوقت، انگلا مرکز مل صدراعظم آلمان به تازگی با اعلام نگرانی نسبت به تشدید بحران بین قطر و برخی کشورهای عربی گفت ایران و ترکیه باید برای کاهش این بحران تلاش کنند.

مرکل که در دیدار با رئیس جمهوری مکزیک در مکزیکوسیتی به سفر می‌برد، با بیان اینکه سامان دادن شرایط نابسامان کنونی به نظر می‌رسد، گفت راه حل این موضوع همکاری همه کشورها برای حل این بحران است. صدراعظم آلمان گفت همکاری کشورهای شوروی همکاری خلیج فارس برای حل این بحران حیاتی است.

صدراعظم آلمان با تاکید بر این‌که تنها با مشارکت ایران، ترکیه و قطر می‌توان راه حلی برای این بحران یافت، اظهار داشت: «هرگاه همه کشورهای ذینفع در تماس با یکدیگر باشند، یک راه حل سیاسی می‌تواند شکل گیرد. ما خواستار چنین امری هستیم و در این راستا تلاش خواهیم کرد.»

همسو با اظهارات مرکل، صدراعظم آلمان، زیگمار گابریل وزیر خارجه این کشور نیز در اظهاراتی جداگانه در خصوص بحران رخ داده بین کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس تصریح کرده که این بحران می‌تواند به یک جنگ منجر شود. گابریل همچنین به دیدارهای اخیرش با وزرای خارجه ترکیه و قطر، عربستان و همچنین تماس‌های تلفنی با همتایان ایرانی و کویتی خود اشاره کرده و گفت که در مذاکرات صورت گرفته، پیام نگرانی آلمان از وضعیت فعلی حاشیه جنوبی خلیج فارس را به اطلاع طرف‌های مذاکره رسانده است.

در حالی که این چنین موضع‌گیری توام با نگرانی درباره بحران دیپلماتیک قطر از جانب دیگر رهبران غربی کمتر به چشم می‌خورد، اما برلین به شدت نسبت به تحولات قطر واکنش نشان داده است. واکنشی که با توجه به عدم موضع‌گیری دیگر کشورهای اروپایی تا اندازه زیادی عجیب و قابل تأمل به نظر می‌رسد. در این شرایط این مسئله جای بررسی دارد که چرا آلمان برخلاف مواضع بی تفاوت دیگر کشورهای اروپایی، نگران بحران



پایگاه خبری اسپوتنیک با انتشار مطلبی در مقایسه نیروهای مسلح عربستان و قطر می نویسد تعداد نظامیان عربستان، حدود ۴۸۰ هزار نفر است که شرح نظامی دارد که به این ترتیب است: نیروی زمینی عربستان، ۲۲۵ هزار نفر نظامی، حدود ۱۳۰۰ دستگاه تانک، ۵۵۰۰ دستگاه رفربر زمی سنگین، ۲۲۵۰۰ دستگاه نفربر و بیش از ۷۵۰۰ دستگاه توپ هوزترز از جمله ۵۰ دستگاه موشک انداز زرهی ۲۷۰ دارد.

دیپلماتیک قطر در منطقه خلیج فارس است؟ نگرانی اقتصادی آلمان
ابراز نگرانی مقامات آلمانی نسبت به تحولات قطر چندان هم بی ارتباط با مراودات اقتصادی دوحه با آلمان و سایر کشورهای اروپایی نیست. در واقع روابط اقتصادی دوحه و برلین نقش بسزایی در اعلام نگرانی مقامات آلمانی دارد. قطر بزرگترین صادرکننده گاز مایع در جهان است، اما علاوه براین، قطربرای آلمان یک شریک تجاری مهم نیز می‌باشد. صادرات ۲.۵ میلیارد یورویی آلمان به قطر در سال ۲۰۱۶ باعث شده تا قطر ۵۲ مین مقصد کالاهای آلمانی به شمار رود، اما این کشور کوچک دارای‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگی را در سرزمین ژرمن‌ها دنبال کرده است. از دویچه بانک، معروف‌ترین بانک آلمان تا شرکت صنعتی زیمنس می‌توان رد پای شاهدگان قطری را پیدا کرد. همچنین ۱۷ درصد از سهام شرکت فولکس واگن نیز متعلق به قطر است.

مقامات آلمانی نگران آن هستند که در صورت تداوم بحران دیپلماتیک کنونی و تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌های قطر از سوی برخی همسایگان منطقه‌ای، این کشور کوچک مجبور به فروش و نقد کردن سرمایه‌های خود و خروج دارای‌های مالی‌اش از آلمان شود. اقدامی که بدون شک تأثیرات مالی قابل توجهی را بر وضعیت شرکت‌های آلمانی و به تبع آن اقتصاد آلمان خواهد داشت. در شرایطی که اقتصاد رو به رشد آلمان به سختی توانسته است از رکود اخیر خود را نجات یابد، تأثیرات اقتصادی خروج دارای‌های قطر نمی‌تواند چیزی جز خرابی اقتصادی آلمان باشد. از این رو شاید بخشی از نگرانی‌های موجود در میان مقامات آلمانی در ارتباط با بحران دیپلماتیک قطر ناشی از حضور پررنگ اقتصادی این شیخ نشین کوچک در بازار آلمان باشد. از طرف دیگر جایگاه قطر را به عنوان بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی به اروپا نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در همان مراحل ابتدایی بحران دیپلماتیک قطر، قیمت گاز مایع در برخی کشورهای اروپایی از جمله بریتانیا متاثر از این تنش به یکباره افزایش یافت. گفته شده است که این افزایش قیمت دلیل دشوار شدن تجارت گاز طبیعی مایع با بانک‌های قطری و همچنین تغییر مسیر تانکرهای حامل ال ان جی صورت گرفته است. همچنین تاجار اروپایی نگران اند که عربستان سعودی

هرچند تأثیرات اقتصادی بحران قطر برر اروپا و بویژه در اقتصاد آلمان قابل توجه است، اما اعلام نگرانی مقامات آلمانی همزمان با شرایطی که دیگر مقامات اروپایی واکنش قابل توجهی در برابر این تنش نشان داده است، واکنشی که با توجه به عدم موضع‌گیری دیگر کشورهای اروپایی تا اندازه زیادی عجیب و قابل تأمل به نظر می‌رسد. در این شرایط این مسئله جای بررسی دارد که چرا آلمان برخلاف مواضع بی تفاوت دیگر کشورهای اروپایی، نگران بحران

«فرانک بیکر» سفیر انگلیس در عراق بیانه‌ای به مناسبت سالروز بورش داعش به عراق و اشغال موصل منتشر کرده و در آن مهارت و شجاعت نیروهای عراقی را ستود.

به نوشته پایگاه خبری شبکه روزنامه، او در این بیانه آورده است: روز گذشته مصاف بود با سالروز بورش ظالمانه و خشونت آمیز داعش به موصل و امروزه آن‌چه که از آن به عنوان «خلافت» یاد می‌شود در حال نابودی است و نیروهای امنیتی بیشتر شهر را پس گرفته و در حال تثبیت اوضاع هستند. این بیانه می‌افزاید:نیروهای عراقی از خود مهارت و شجاعت و اراده برای بیرون راندن داعش از شهر نشان داده‌اند و همزمان برای حفظ جان غیر نظامیان تلاش می‌کنند، ما به حرفه‌ای بودن و شجاعت و فداکاریشان اعتراف می‌کنیم و پیروزی‌هایشان باعث است تا مردم برای نیروهای مسلح خود افتخار کنند.

سفیر انگلیس در ادامه افزود: باید در برابر تهدیدات پیش رو واقع‌بین باشیم اگرچه عقب‌نشینی و چند دستگی داعش ادامه دارد اما همچنان برای عراق و جهان تهدید هستند و حملات تشیع در بغداد، لندن و منجستر یادآور این است که داعش چگونه می‌تهد جوامع ما را مورد هدف قرار می‌دهد.

### بحران دیپلماتیک قطر؛

# آلمان چرا نگران است؟

دیپلماتیک قطر در منطقه خلیج فارس است؟

### نگرانی اقتصادی آلمان

ابراز نگرانی مقامات آلمانی نسبت به تحولات قطر چندان هم بی ارتباط با مراودات اقتصادی دوحه با آلمان و سایر کشورهای اروپایی نیست. در واقع روابط اقتصادی دوحه و برلین نقش بسزایی در اعلام نگرانی مقامات آلمانی دارد. قطر بزرگترین صادرکننده گاز مایع در جهان است، اما علاوه براین، قطربرای آلمان یک شریک تجاری مهم نیز می‌باشد. صادرات ۲.۵ میلیارد یورویی آلمان به قطر در سال ۲۰۱۶ باعث شده تا قطر ۵۲ مین مقصد کالاهای آلمانی به شمار رود، اما این کشور کوچک دارای‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگی را در سرزمین ژرمن‌ها دنبال کرده است. از دویچه بانک، معروف‌ترین بانک آلمان تا شرکت صنعتی زیمنس می‌توان رد پای شاهدگان قطری را پیدا کرد. همچنین ۱۷ درصد از سهام شرکت فولکس واگن نیز متعلق به قطر است.

مقامات آلمانی نگران آن هستند که در صورت تداوم بحران دیپلماتیک کنونی و تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌های قطر از سوی برخی همسایگان منطقه‌ای، این کشور کوچک مجبور به فروش و نقد کردن سرمایه‌های خود و خروج دارای‌های مالی‌اش از آلمان شود. اقدامی که بدون شک تأثیرات مالی قابل توجهی را بر وضعیت شرکت‌های آلمانی و به تبع آن اقتصاد آلمان خواهد داشت. در شرایطی که اقتصاد رو به رشد آلمان به سختی توانسته است از رکود اخیر خود را نجات یابد، تأثیرات اقتصادی خروج دارای‌های قطر نمی‌تواند چیزی جز خرابی اقتصادی آلمان باشد. از این رو شاید بخشی از نگرانی‌های موجود در میان مقامات آلمانی در ارتباط با بحران دیپلماتیک قطر ناشی از حضور پررنگ اقتصادی این شیخ نشین کوچک در بازار آلمان باشد. از طرف دیگر جایگاه قطر را به عنوان بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی به اروپا نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در همان مراحل ابتدایی بحران دیپلماتیک قطر، قیمت گاز مایع در برخی کشورهای اروپایی از جمله بریتانیا متاثر از این تنش به یکباره افزایش یافت. گفته شده است که این افزایش قیمت دلیل دشوار شدن تجارت گاز طبیعی مایع با بانک‌های قطری و همچنین تغییر مسیر تانکرهای حامل ال ان جی صورت گرفته است. همچنین تاجار اروپایی نگران اند که عربستان سعودی

هرچند تأثیرات اقتصادی بحران قطر برر اروپا و بویژه در اقتصاد آلمان قابل توجه است، اما اعلام نگرانی مقامات آلمانی همزمان با شرایطی که دیگر مقامات اروپایی واکنش قابل توجهی در برابر این تنش نشان داده است، واکنشی که با توجه به عدم موضع‌گیری دیگر کشورهای اروپایی تا اندازه زیادی عجیب و قابل تأمل به نظر می‌رسد. در این شرایط این مسئله جای بررسی دارد که چرا آلمان برخلاف مواضع بی تفاوت دیگر کشورهای اروپایی، نگران بحران

# مقایسه ارتش های عربستان و قطر

تجهیزات نظامی قطر، اندک است و کیفیت مطلوبی ندارد. تانک هایی که هم اکنون در اختیار ارتش قطر است (شامل ۳۰ دستگاه تانک ای ام ایکس – ۳۰) غیر قابل استفاده اند. نیروی هوایی این کشور نیز به جز افزودن تعدادی هواپیمای ترابری از اوایل دهه نود، رشد چشمگیری نداشته است و روند آموزش خلبانان نیز در مأموریت های بسیار سطح پایین خلاصه شده است. نیروی هوایی این کشور نیز بدون کمک های خارجی، تجهیزات مناسبی برای عملیات های نظامی جدی را ندارد. قطر از سامانه پدافند هوایی برخوردار است اما این سامانه هیچ گونه موشک زمین به هوای دوربرد یا مینابرد ندارد. این سامانه ها با اطلاع نظارت هوایی و ارتش نیروی زمینی اداره می شود.

گزارش های رسانه ای حکایت از آن دارند که قطر ارتشی از مزدوران پاکستانی، سودانی و چرکی های نامنظمی از کلمبیا، کره جنوبی و گروه «بلک واتر» را به خدمت گرفته اند. بر اساس سایک «almogaz» اولویت های مأموریتی آنها شامل حفاظت از تأسیسات

نیروی هوایی ارتش این کشور بیش از ۸۲ بالگرد تهاجمی آپاچی و بالگرد چندمنظوره دارد. به گفته شرکت سازنده، این بالگرد می تواند در کمتر از یک دقیقه، ۱۲۸ هدف را شناسایی کند. نیروی هوایی عربستان حدود ۱۱۰۶ هواپیما و ۱۵ فرودگاه آماده به کار دارد.

نیروی دریایی این کشور هم تقریبا ۴۵ هزار نیروی نظامی و پدافند هوایی و نیروی موشکی استراتژیک آن ۱۰ هزار سرباز دارند. علاوه بر اینها نظامیاتی نیز در این کشور هستند که مستقل از نیروهای مسلح عمل می کنند.

در مقابل، نیروهای مسلح قطر به شرح زیر است: ارتش قطر حدود ۱۱۸۰۰ نفر عنصر نظامی دارد که شامل ۸۵۰۰ نیروی پیاده، ۱۸۰۰ نفر نیروی دریایی و ۱۵۰۰ نفر نیروی هوایی ست. قطر کوچکترین ارتش را در مقایسه با سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد. قطر به حکم حضور نظامی و وجود پایگاه های نظامی آمریکا، از حمایت این کشور برخوردار است. ماشین آلات

# کسی فاجعه‌ی موصل را نمی‌بیند

شبکه روسیا‌الیوم گزارش داد برخی غیرنظامیان آواره در منطقه الزنجیلی در غرب موصل از وضعیت فاجعه بار بشری غیرنظامیان در طول عملیات نظامی و تپون آب و غذا و دیگر مواد مورد نیاز خبر دارند. یک مرد سالخورده آواره در غرب موصل درحالیکه فریاد می زد گفت: آب نداریم و مردم از گرسنگی گوشت گریه می خورند. کیمیک الاسمر خبرنگار روسیا‌الیوم گفت: گویا این مرد سالخورده به نیابت از صدها هزار و چه بسا میلیون ها عراقی سخن می گوید، نه آب هست و نه غذا وجود دارد و خانواده های محاصره شده در محله هایی که مرگ در همه زوایای آن کمین گرفته است هیچ پناهگاهی ندارند، وضعیت این مناطق مانند جهنم است و برخی از مردم همچون این مرد سالخورده به جز گرسنگی گریه هیچ چیزی برای رفع گرسنگی پیدا نمی کنند.گ اظهارات برخی افراد نجات یافته از درگیری ها در بخش قدیمی موصل، فصل های جدیدی را به زندگی ساکنان عراق می افزاید و کسانی که با این رنج ها رو به رو هستند گزینیه های بسیار محدودی در پیش رو دارند و تقریبا تنها گزینه همان بازی با مرگ است.

برخی مناطق به سبب حملات انتلاف بین المللی و آتش نیروهای عراقی به



بریتانیا، فرانسه و آلمان، لندن در حال خروج از این اتحادیه و بیشتر درگیر مسائل داخلی خود در ارتباط با روند خروج و انتخابات پارلمانی اخیر است. در فرانسه نیز رئیس جمهور جوان و تازه کار در پاریس ترجیح خود را بر صدور یک بیانه‌سه از طریق وزارت خارجه داده است و در این میان تنها مقامات سیاسی در برلین هستند که در خلا ناشی از عدم واکنش جدی در میان کشورهای اروپایی، علاقه دارند خود را به بازیگر فعال و برجسته اروپا در ارتباط با تحولات بین‌المللی نشان دهند. حتی فراتر از اروپا، وضعیت در غرب نیز که زمانی جهت‌گیری‌ها براساس نگاه به کاخ سفید دنبال می‌شد به مانند گذشته نیست. مواضع رویکردهای سیاست خارجی واشنگتن بویژه در ارتباط با قطر بسیار متناقض و مهم دنبال میشود و حتی نوع نگاه ترامپ باعث شد تا به طور کلی آمریکا در جریان بحران دیپلماتیک قطر، خود یک طرف مسئله باشد.در شرایطی که نقش آلمان در اتحادیه اروپا متاثر از برکزیت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دیپلماتیک قطر، وزارت خارجه در آلمان با نگاهی نگران نسبت به تحولات قطر واکنش نشان می‌دهد.

برخیزت و خروج بریتانیا نقشی به نسبت محوری و تعیین کننده است و فراتر از آن در کلیت جهان غرب نقش ایالات متحده متاثر از سردرگمی دستگاه سیاست خارجی و مواضع ناپخته ترامپ در واکنشگتن، نقشی افول یافته و محدود است، به نظر می‌رسد این روزها برلین سخنگوی رسمی کشورهای غربی و اروپایی باشد و در این شرایط است که با وجود عدم واکنش جدی سایر بازیگران غربی نسبت به بحران دی